

## خبر

ادامه جنبش معترضان هنر در دنیا

### موزه آمستردام تعطیل شد

گروهی از معترضان محیط زیستی در هلند، مسئولان موزه ملی آمستردام را به تعطیلی این مکان فرهنگی وادار کردند.

به گزارش ایسنا، «موزه ملی آمستردام» روز شنبه توسط معترضان آب و هوا از گروه «لطیفان علیه انقراض»(XR) مسدود شد و این مکان فرهنگی را مجبور به تعطیلی «تا اطلاع ثانوی» کرد.

«آرنت»(نوش، فعالان گروه (XR) با لباس و ماسک زرد در خارج از موزه از بمب‌های دودزا زردرنگ استفاده کردند.
چندین معترض خود را به حصار نزدیک ورودی موزه زنجیر کردند و خواستار پایان همکاری موزه ملی آمستردام با حامی مالی اصلی یعنی شرکت چندملیتی بانکداری «گروه آی‌ان‌جی» شدند.

به گفته گروه (XR) این بانک بودجه‌پروژه‌هایی را تامین می‌کند که در تغییرات اقلیمی نقش دارند.

یکی از نمایندگان (XR) به خبرنگاری هلندی (ANP) گفت: «غیرقابل درک است که موزه ملی آمستردام بتواند به خود اجازه دهد تا توسط «گروه آی‌ان‌جی»، بزرگترین حامی مالی پهران تغییرات اقلیمی، تامین مالی شود.» این نماینده افزود که موزه ملی آمستردام به یک «آلاینده بزرگ» این امکان را می‌دهد که «چهره خود را پشت آثار هنری معروف تاریخ هلند پنهان کند».

مسئولان موزه اعلام کردند که درهای موزه را برای محافظت از بازدیدکنندگان، کارکنان و آثار هنری موزه بسته‌اند.

پلیس اعلام کرد که معترضانی که خود را به حصار زنجیر کرده بودند را دستگیر و به مکان دیگری منتقل کرده است.
به گفته سخنگوی پلیس به معترضان این اجازه داده شده بود که در بزرگترین میدان آمستردام تظاهرات کنند اما فعالان پذیرفتند.

این نوع از اعتراضات از اواخر سال ۲۰۲۲ و با حمله معترضان محیط زیستی به نقاشی «آفتاب‌گردان‌ها» اثر «ون‌گوگ» با سوپ گوجه‌فرنگی آغاز شد. معترضان محیط زیستی همچنین پیش‌تر به نقاشی «مرگ و زندگی» اثر «گوستاو کلیمت» نقاش برجسته اتریشی حمله کردند و روی آن رنگ سیاه‌روغنی ریختند. دو معترض بر روی یکی از نقاشی‌های «امیلی کارل» نقاش کاتالیایی که در «گالری هنر وکتور» نگهداری می‌شود، شیره درخت افرا ریختند و دست‌هایشان را با چسب دیوار چسباندند.

«جیغ» اثر «ادوارد مونک» که در «موزه ملی نروژ» واقع در «اسلو» نگهداری می‌شود، نیز هدف حمله معترضان قرار گرفته بود. مجموعه تابلوهای مشهور «فوطی‌های سوپ کمیل» اثر «اندی وارهل» هنرمند نامدار آمریکایی که در «گالری ملی استرالیا» نگهداری می‌شود نیز توسط معترضان محیط‌زیستی خط‌خطی شده بود. دو فعال حوزه محیط زیست دستانشان را به قاب دو تابلو نقاشی اثر «فرانسیس گویا» که در موزه «پرادو» نگهداری می‌شود، با چسب چسباندند.

همچنین گروهی دیگر از فعالان روی شاهکار «ون‌گوگ» سوپ نخود‌فرنگی ریختند. «دختری با گوشواره مروارید»، شاهکار عصر طلایی «یوهانس ورمیر» در «موزه مائرتیتشوس» واقع در «لااهه» و نقاشی گران‌قیمت «کومه‌ها» اثر «کلود مونه» نیز هدف معترضان قرار گرفته بودند. حتی «آفتاب‌گردان‌ها»ی مشهور «ون‌گوگ» نیز در امان نماندند و دو زن با حمله به تابلوی گران‌قیمت «گل‌های آفتاب‌گردان» روی آن سوپ گوجه‌فرنگی ریختند.

تابلو نقاشی «باغ هنرمند در ژویرنی» اثر «یوهانس ورمیر» در «موزه ملی سوئد نگهداری می‌شود، نیز سوژهٔ این گروه از معترضان بوده است. پیش‌تر نیز دو زن در استکهلم پس از پرتاب نوعی رنگ به نقاشی هنرمند فرانسوی «کلود مونه» و سپس چسباندن دستان خود به قاب آن دستگیر شدند. در جدیدترین مورد از مجموعه حملات معترضان محیط زیستی به آثار هنری مشهور یک فعال محیط‌زیست برای سیب‌اندن یک پوستر روی یکی از تابلوهای نقاشی «کلود مونه» نقاش نامدار فرانسوی در موزه «ترسی» واقع در پاریس توسط پلیس دستگیر شد.



به گزارش ایسنا، سینمای ایران که در چند دهه گذشته با فتح جایزه‌های مهم از رویدادهای معتبر سینمایی دنیا بر اعتبار دیرین خود بیش از پیش افزوده بود، در یکی دو سال گذشته روندی کاملاً نزولی را در پیش گرفته است. در این مدت اگرچه تعدادی فیلم از کارگردان‌های شناخته شده ایرانی ارزشمندی هم کسب کردند اما آنچه به عنوان جریان رسمی سینمای ایران شناخته می‌شد، تقریباً در حال حذف از عرصه بین‌المللی است. ریشه‌یابی این مسئله به دلایل مختلفی می‌رسد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها توقف ساخت فیلم‌های باکیفیت و غیبت فیلمسازان مطرح در جریان تولید سینما است. در حال حاضر جدی‌ترین نتیجه این ماجرا به خالی بودن سبد سینمای ایران برای معرفی یک فیلم “مناسب” به آکادمی اسکار منجر شده به طوری که امسال از معدود دوره‌هایی است که کمیته انتخاب فیلم، دست‌کم تا الان گزینه خاصی را پیش روی خود ندارد.

بررسی این وضعیت و نیز پیش‌بینی درباره آینده سینمای ایران در عرصه بین‌الملل را با محمد اطیابی -از پخش‌کننده‌های بین‌المللی خصوصی- مطرح کردیم و او در گفت‌وگو با ایسنا درباره افول سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی و روند رو به گسترش فیلم‌های زیرزمینی و غیررسمی صحبت کرد.

**به بهبود وضع سینما در کوتاه مدت خوش‌بین نیستیم**

اطیابی در پاسخ به اینکه آیا از این پس به موقعیت فعلی سینمای ایران در دنیا باید عادت کرد یا باید منتظر تغییرات احتمالی باشیم، گفت: من به بهبود وضعیت سینمای ایران -دست‌کم در کوتاه مدت - چندان خوش‌بین نیستیم. بهبود اوضاع نیازمند تصمیم‌های بزرگ است و این افقی که فعلاً مقابل ما ترسیم کرده‌اند، نمی‌تواند مؤید تغییر و تحولی بزرگ باشد؛ بنابراین فکر می‌کنم این در، همچنان روی همان پاشنه می‌چرخد و نباید انتظار داشته باشیم که به زودی امکان فعالیت و تولید برای فیلمسازان باسابقه و مستعد ما فراهم شود و با نداشتن آثار کیفی، نمی‌توان انتظار تغییر وضعیت فعلی را داشت.

از طرف دیگر یک واقعیت مهم این است که حجم تولید محتوا در سینمای دنیا بسیار بالا رفته و حتی کیفیت فیلم‌ها نسبت به سال‌ها گذشته بهتر شده است. این موضوع کاملاً قابل ارزیابی است و می‌توان سینماهای بسیاری را مانند هند و ترکیه مثال زد که فیلم‌های قابل توجهی را عرضه می‌کنند و تقریباً در بسیاری از جشنواره‌های معتبر هم حضور دارند؛ جشنواره‌هایی که ما در آن‌ها غایب هستیم، آن‌ها پذیرفته شده و جایزه هم می‌گیرند و در نهایت فیلم‌هایی که در بازارها و اکران‌های جهانی حضور دارند و خبری از سینمای ایران نیست.

**باید با سینمای دنیا تعامل داشته باشیم ولی درها را بسته‌ایم**

وی یادآور شد: راه ورود به بازارهای جهانی روشن و مشخص است. ما باید با سینمای دنیا تعامل داشته باشیم که نداریم. تمام درها را بسته‌ایم. نمی‌توانیم تولید مشترک داشته باشیم چون با کشورهای دیگر توافقنامه رسمی تولید مشترک نداریم و آنچه به عنوان توافقنامه تولید مشترک با افتخار از طرف مسئولان رسانه‌ای شده، هیچ‌گاه به اجرا در نیامده است. آیا تاکنون یک تولید مشترک رسمی با کشورهای چین و روسیه داشته‌ایم؟ نام ببرید! در نبود تولید مشترک رسمی، از بسیاری امتیازها، بودجه‌ها، سوسپیدها و ظرفیت‌ها محروم می‌شویم در صورتی که کشورهای دیگر از تمام این امتیازها استفاده می‌کنند. همین الان با یک تحقیق ساده می‌توان دید که بسیاری از فیلم‌های راه یافته به جشنواره‌های مطرح دنیا که جایزه هم می‌گیرند، تولید مشترک هستند. شما همین تولیدات به اصطلاح غیررسمی سینمای ایران را بررسی کنید، حتی یک فیلم نمی‌توانید پیدا کنید که نام چند کشور را در کنارش نداشته باشد. بعضی از جشنواره‌های اروپایی هم یک قانون نانوشته دارند و ملزم هستند که ۷۰ تا ۸۰ درصد انتخاب‌های خود را از میان تولیدهای مشترک با اروپا برگزینند. آن‌ها این موضوع را هیچ وقت اعلام رسمی نمی‌کنند اما در عمل اتفاق می‌افتد.

**جولان قطر و عربستان بدون استناد و صنعت سینمایی در جشنواره‌های بین‌المللی**

اطیابی ادامه داد: در حال حاضر در همسایگی ما قطر و عربستان دو کشوری هستند که نامشان را در کاتالوگ‌های جشنواره‌های بین‌المللی فیلم می‌بینیم؛ یعنی دو کشوری که صنعت سینما ندارند و حتی در بخش نیروی انسانی، استعداد

در آستانه ۲۱ شهریور ماه روز سینما مطرح شد

# یک هشدار جدی برای آینده سینمای ایران

یک کارشناس بین‌المللی سینما با اعلام هشدار و ابراز نگرانی نسبت به حذف سینمای ایران از جشنواره‌های خارجی بیان کرد: کنترل کردن سینما بویژه در سال‌های اخیر، نتیجه عکس داده و به رشد زیرزمینی فیلم‌ها منجر شده است. این روند اگر بدون درک ویژگی‌های نسل جدید فیلمساز ادامه پیدا کند، محتمل‌تر به شکست خواهد بود.



نداردند صرفاً با ایجاد فاند و صندوق مالی و سرمایه‌گذاری، توانسته‌اند نام خود را در سینمای دنیا مطرح کنند. نتیجه این نوع مشارکت‌ها و استفاده از صندوق‌های مالی را به شکلی دیگر هم می‌توان دید. مثلاً در فیلم اخیر آقای رسول‌اف که در ایران تولید شده (دانه انجیر چه‌ماید)، اسم یک شرکت فرانسوی به عنوان سرمایه‌گذار دیده می‌شود که از جزئیاتش می‌توان حدس زد بخش تولید «فیلمزبوتیک» -پخش‌کننده بین‌المللی فیلم- است. همچنین نام یک شرکت آلمانی دیده می‌شود که شرکت خود آقای رسول‌اف است و در نهایت به نقطه‌ای می‌رسیم که این فیلم به عنوان تولید مشترک آلمان و ایران و فرانسه معرفی و بعد هم به عنوان نماینده آلمان در اسکار تعیین می‌شود. این‌ها همه امکانی بوده که از طریق تولید مشترک به دست آمده است. فیلم «منطقه بحرانی» علی احمدزاده نیز به عنوان تولید مشترک ایران و آلمان، از صندوق جهانی فیلم در جشنواره برلین مبلغی بلاعوض در اختیار گرفت که این مبلغ به پخش‌کننده فیلم در آلمان داده شد تا آن را در این کشور اکران کنند ولی تولیدات ایرانی نمی‌توانند این امتیازها را داشته باشند چرا که ما تمام این پنجره‌ها را بسته‌ایم.

**از رشد تئاتر و موسیقی و نمایشگاه‌های زیرزمینی تا سینمایی که دیگر وزارت ارشاد ندارد**
وی در ادامه به موضوعی دیگر اشاره کرد و افزود: علاوه براین‌ها مادامی که به طور رسمی گسترده فیلم خارجی در ایران اکران نکنیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که کشورهای دیگر، فیلم‌های ایرانی را خریداری کنند. طبیعتاً شاید مهم‌ترین دلیل این ماجرا «تحریم» باشد که به واسطه تحریم‌های گسترده سیاسی، اقتصادی، و صنعتی امکان ساده یک معامله تجاری را در حته سینما نداریم و به راحتی نمی‌توانیم فیلم بفروشیم یا خریداری کنیم. اگر هم این کار را انجام دهیم به هیچ وجه نمی‌توانیم وجه فروش خود را به ایران منتقل کنیم که در آن صورت دچار مشکلات جدی اقتصادی و بانکی خواهیم شد. بر این اساس نوعی خودرودی میان هنرمندان ما و سینماگران وجود دارد که باعث شده است در دو سال اخیر و بعد از اتفاق‌هایی که در این مدت رخ داده، بسیاری از فیلمسازان ترجیح دهند که کار نکنند و فیلمی نسازند. در این مدت به دلایلی که همه می‌دانیم، بخشی از این فیلمسازان سراغ سینمای غیررسمی یا زیرزمینی رفتند و در این بخش مشغول کار شدند که البته این جریان مختص به سینما نیست و اکنون موج بزرگی از تئاترها، نمایشگاه‌های تجسمی، ادبیات و شعر و موسیقی زیرزمینی در جای جای کشور پا گرفته و رو به رشد است. نکته قابل ذکر اینکه، فیلم‌های بلند را می‌توان تا حدودی رصد کرد و از نمایش آن آگاه شد اما در بخش فیلم کوتاه و مستند و انیمیشن جهانی دیگر حکمفرماست

که در آن جایی به نام وزارت ارشاد وجود ندارد و قابل کنترل هم نیست. همگان هم مطلعند که در کنار خیل نیروها و استعدادهای نخبه ایرانی، سینماگران بسیاری هم مهاجرت کرده یا اقامت دیگر کشورها را به دست آورده‌اند تا شاید امکان فعالیت برای فعالان در خارج از ایران پیدا کنند. حال مدیران دولتی ما همچنان تاکید کنند که وضع سینما خوب است، در عرصه بین‌المللی موفقیم و همه می‌توانند فیلم خود را بسازند.

**سینمای ایران از اکران و جشنواره‌های خارجی حذف می‌شود؟**

اطیابی در پاسخ به اینکه اگر این وضعیت همچنان ادامه داشته باشد، آیا احتمال حذف سینمای ایران از جریان رسمی نمایش و جشنواره‌های سینمای دنیا وجود خواهد داشت، گفت: این اتفاق کم کم در حال رخ دادن است. جشنواره‌های بزرگ تقریباً هیچ انتخابی از سینمای رسمی ما ندارند؛ این اتفاق در دو سه سال اخیر رخ داده و شاید آخرین حضور یکی از تولیدات رسمی ما که موفق بود و به نوعی “بازی خداحافظی” را انجام داد، فیلم «جنگ جهانی سوم» ساخته هومن سیدی بود. از میان تولیدات رسمی، سال گذشته، فیلم‌های «عصب کشی»، «رگستان»، «کاپیتان» و «عزیز» موفق‌تر از مابقی فیلم‌ها بودند.

در سال ۲۰۲۳، ۱۱۳ فیلم بلند داستانی داشتیم که حداقل یک نمایش در رویدادها یا نمایش عمومی داشتند و از این میان ۶۶ فیلم (۵۶ درصد) هم حداقل در یک جشنواره و رویداد سینمایی در خارج از ایران داشتند. از میان ۶۶ فیلم، با اغماض ۶ فیلم تولید رسمی (۹ درصد) نمایش‌های قابل قبولی در جشنواره‌ها داشتند اما پنج فیلم تولید غیررسمی در کنار ۱۰ فیلم ساخته کارگردان‌های ایرانی در خارج از کشور، یعنی ۱۵ فیلم (۱۹ درصد)، بیش‌ترین حضورهای کیفی در جشنواره‌های جهانی را داشته و جایز قابل توجهی هم گرفتند، مانند «نسخه ایرانی» (مریم کوشاوی- آمریکا)، «شید» (نورا نیاسری- استرالیا)، «فرموننت» (بابک جلالی- آمریکا)، «مرزهای بی‌پایان» (عباس امینی- ایران/جمهوری چک/آلمان)، «آزیز خنجر/آبادان» (سپیده فارسی- فرانسه/آلمان/لوگزامبورگ/بلژیک)، «دشمن» (میلااد اعلمی- سوئد)، «آیه‌های زمینی» (علی عسگری و علیرضا خاتمی)، «تورهای خالی» (پلری کرمی زاده- ایران/آلمان)، «منطقه بحرانی» (علی احمدزاده- ایران/آلمان)، «تاتامی» (زهرا امیرابراهیمی- گرجستان/آمریکا)، «آشیل» (فرهاد دل آرام- ایران/آلمان/فرانسه) و متاسفانه از ۶۶ فیلم بلند ایرانی حاضر در جشنواره‌های سال ۲۰۲۳، ۵۸ فیلم (۹۰ درصد) تک نمایش در یک رویداد قابل قبول داشته و اکثر باقیمانده فیلم‌ها در جشنواره‌های کم ارزش و جعلی حضور داشته‌اند!

ما در سال جاری ۲۰۲۴، ۲۷۶ فیلم بلند در

## فرهنگ و هنر

### خبر

### برپایی مجلس زنانهای با حضور آقایان



علی یداللهی که به زودی نمایش «مجلس زنانه رختشورشا» را روی صحنه می‌برد، گفت: این نمایش مجلس زنانهای است که آقایان هم حضور دارند.

این کارگردان تئاتر در گفتگو با ایسنا با ارایه توضیحاتی درباره ویژگی‌های این اثر نمایشی از اجرای یک مجلس زنانه دیگر برای کودکان خبر داد.

یداللهی که پیش از این همین نمایش را اجرا کرده است، درباره دلایل اجرای دوباره آن توضیح داد: اجرای قبلی ما در تالار محراب روی صحنه رفت و با استقبال تماشاگران رو به رو شد و فکر کردیم هنوز پتانسیل این را داشت که روی صحنه برود چون مردم این قبیل نمایش‌ها را دوست دارند.

او با اشاره به تفاوت اجرای جدید این نمایش در قیاس با اجرای قبلی افزود: آن زمان نمایش ما ترکیبی از سیاه‌بازی و مجالس زنانه بود ولی این بار سیاه‌بازی را حذف کرده‌ایم و جنس کمدی ما سیاه نیست بلکه سفید است. در واقع این اجرا، مجلس زنانهای است با حضور آقایان. این کارگردان که بیشتر در زمینه نمایش‌های ایرانی فعال است، با ارایه توضیحاتی درباره مجلس زنانه اضافه کرد: مجلس زنانه یکی از تکنیک‌های نمایش سنتی ایرانی است که در نمایش‌ها نمی‌توانسته‌اند در تئاتر بازی کنند، با این شیوه‌ها نمایش کار می‌کردند.

یداللهی ادامه داد: موضوع بیشتر این نمایش‌ها که در مجالس خانم‌ها اجرا می‌شده‌اند، برای تقبیح برخی از رفتارهای این آقایان بوده است. در این گونه نمایش‌ها خانم‌ها لباس مردانه می‌پوشیده‌اند و با کلاه شاپو و گذاشتن سبیل، نقش آقایان را بازی می‌کردند. در دوره مردسالاری که عموماً خانم‌ها اجازه نقد در رفتارهای نادرست آقایان را نداشته‌اند، این شیوه‌های نمایشی پرکاربرد بوده است و با وجود نگاه انتقادی خود، با ساز و رقص و آواز همراه بوده و بسیار شاد بوده است.

او که از ۲۵ شهریور ماه نمایش خود را در عمارت نوفل لوشاتو اجرا می‌کند، درباره اجرای نمایش در این مجموعه گفت: قبلاً در تالار محراب اجرا داشتیم و فکر کردیم دیگر در سالن دولتی نوبت اجرا نخواهیم گرفت. از آنجاکه قبلاً در عمارت نوفل لوشاتو کارهای خوبی دیده بودم، به نظر آمد که این مجموعه صرفاً به دنبال درآمدزایی نیست و نگاه صرف اقتصادی ندارد بلکه به کیفیت کارها هم اهمیت می‌دهد.

یداللهی اضافه کرد: عمارت نوفل لوشاتو گاه به گاه کارهای پیشرو و آوانگاردی نوبت اجرا می‌دهد که معمولاً سالن‌های دیگر ریسک نمی‌کنند که به آنها اجرا بدهند. از سوی دیگر در این مدت نیز نظر نازن تمرین و دیگر ام‌ها، با ما همراهی خوبی داشته‌اند و ما نیز سوده‌تر داشتیم در سالی اجرا بگیریم که کیفیت برایش مهم باشد و فقط دنبال پول نباشد.

این کارگردان در ادامه از اجرای یک مجلس زنانه دیگر برای کودکان خبر داد و افزود: به موازات این نمایش، مشغول تمرین نمایش دیگری هستیم با عنوان «نتیل زیر درخت زردآلو» که نوشته اردشیر صالح‌پور است و قرار است از اواخر مهر ماه آن را برای تماشاگران کودک در تالار هنر روی صحنه ببریم.

یداللهی ادامه داد: این نمایش درواقع نوعی تئاتر درمانی است و ویژگی‌های نمایش‌های زنانه را برای کودکان دارد.

گفتنی است نمایشنامه «مجلس زنانه رختشورشا» نوشته بابک خواجه پاشاست که با بازنویسی فرهاد نقدعلی و علی بدالهی پیش از این در سال ۱۴۰۰ روی صحنه رفته بود و برای این پروژه نمایشی راضا پسن‌دیان بر عهده دارد. «مجلس زنانه رختشورشا» نمایشی ایرانی است که وقایع آن در دوره قاجار و یک روز قبل از تاجگذاری احمدشاه اتفاق می‌افتند. احمدشاه در حال گریز است که وارد رختشورخانه سلطنتی می‌شود و…

ایمان قیاسی:

### دوستی ام با احسان علیخانی سر جایش است

هم از شرکت‌کنندگان داخلی صورت گرفت و شرکت‌کنندگان از کشورهای نظیر ایرلند، آلمان، لهستان، برزیل، نیجریه، لبنان، روسیه، ایتالیا و … در این مسابقه حضور داشتند که هر کدام در کشور خود نینجا وزیر بودند. چنین مسابقاتی سال‌هاست در دنیا برگزار می‌شود و ما با وجود اینکه دو فصل برگزار کرده‌ایم خیلی زود جا افتاد و مورد استقبال قرار گرفت.

او در ادامه درباره‌ی عنوان بین‌المللی مسابقه «قهرمان» بیان کرد: عنوان بین‌المللی این نیست که صرفاً چند شرکت‌کننده خارجی داشته باشیم. عنوان بین‌المللی یعنی اینکه این برنامه از نظر استانداردهای بخش در دنیا، قابل بخش باشد، از تعداد دوربین گرفته تا نوع طراحی دکور، نورپردازی، صدابرداری و موارد دیگر باعث شده تا «قهرمان» قواره بین‌المللی به خود بگیرد. در حال حاضر این برنامه با مسابقاتی در کشور استرالیا و آلمان برابری می‌کند.

**ماجرای غیبت یوسف تیموری در «قهرمان»**

قیاسی درباره غیبت یوسف تیموری و اجرای خود در فصل دوم «قهرمان»، اظهار کرد: آقای تیموری در فصل دوم ما در سرکار سریال آقای منوچهر هادی بود که همزمان با ضبط برنامه «قهرمان» همراه شد و از طرفی تیم برنامه‌ساز و آقای ملک‌آبادی - کارگردان و تهیه‌کننده «قهرمان» - را ورزشی‌تر دیدند به همین دلیل تاکیدشان این بود که محور برنامه به رقابت شرکت‌کنندگان باشد و در نهایت تصمیم بر این شد که به تنهایی برنامه را اجرا کنم. هرچند دیگر فصل دو اجرایی گذشته اینکه فرم و محتوا را در نظر



نگیریم و احساس کنیم دو نفر بیایند که با هم شوخی و مزه‌پزانی کنند، دیگر جذابیتی ندارد و فصل آن گذشته است حتی در مواقعی هم حضور من هم می‌تواند کم‌رنگ‌تر باشد و به نظر باید به اصل موضوع پرداخته شود. تیم سازنده در فصل دوم تاکید داشتند که پرهیز شود از شوخی‌هایی که در فصل یک مرسوم بود. فصل دوم نگاه متفاوتی وجود داشت.